



ما می‌توانیم؟*

با شروع دولت جدید، یادی کنیم از عملکرد مسئولان سیاست فناوری کشور در دولت قبل که بوی تکرار اشتباهات همیشگی را می‌داد: مسیری که در سالهای گذشته با نگاه به هدف خودکفایی فناورانه و با شعار "ما می‌توانیم" دنبال شد و برای مردم ما ثمره خاصی به همراه نیاورد.

به لحاظ نظری، نه تنها ما، که همه ملت‌های دنیا می‌توانند با صرف زمان و هزینه کافی به هر فناوری مورد نظرشان دست یابند، اما سؤال اینجاست که با چه زمانی و با چه هزینه‌ای؟

خاطره تلخ واکسن کرونا را از یاد نبریم: همان کسانی که ابتدا طومار امضا میکردند که جلوی واردات واکسن خارجی را بگیرند وقتی به قدرت در قوه مجریه دست یافتند آن شعارها را کنار گذاشتند و با واردات واکسن، فخرفروشی کردند. هزینه‌های مالی و جانی این تناقض را چه کسی پرداخت و چه کسی اکنون پاسخگوی آن است؟

وقتی کشور شما تقریباً یک درصد جمعیت و بازار و منابع دنیا را دارد، چطور می‌توانید با شبکه‌های جهانی که 99 درصد دیگر (و حتی بازار خود شما) را در اختیار دارند، رقابت کنید؟ اصلاً عقل سلیم چنین مجوزی می‌دهد؟

ممکن است بلافاصله این ایراد مطرح شود که پس اصلاً سیاست فناوری چه معنایی دارد اگر قرار باشد همه چیز را به واردات و بازار بسپاریم؟ و ما هم بلافاصله پاسخ می‌دهیم که اتفاقاً سیاست فناوری یعنی جایابی خودتان در زنجیره ارزش جهانی هر محصول، و تلاش برای تصرف نقاطی امکان‌پذیر از این زنجیره‌ها که ارزش افزوده بالایی دارند. وگرنه تصور این که ما بتوانیم یک زنجیره ارزش جدید و مستقل برای هر یک از محصولات فناورانه بسازیم که قابل رقابت با زنجیره‌های جهانی باشد، دور از ذهن و حتی متوهمانه است. تحلیل‌های انجام شده توسط دیگران بر روی محصولات دفاعی ما هم نشان داده که انواع قطعات ساخت سایر کشورها را در آن استفاده کرده‌ایم، اما توانسته‌ایم نیاز فناورانه خود را برطرف سازیم. همین نگاه را باید در مورد محصولات دیگر هم داشت.

قواعد علم اقتصاد هم مانند قواعد سایر علوم (نظیر قانون جاذبه در فیزیک) خود را به ما تحمیل خواهند کرد ولو ما آرزو و توهمی غیر از این داشته باشیم.